

# آئینہ ادیان

## فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار مترجم
۹	درباره نویسنده
۱۳	گزیده‌ای از آرای مهم پل تیلیخ
۱۷	پیش‌گفتار گردآورنده

### در بزرگداشت پل تیلیخ

۲۹	۱. تأثیر پل تیلیخ بر آمریکا / جرال د سی. براؤئر
۴۱	۲. منابع غنای پل تیلیخ / ویلهلم پاؤک
۵۵	۳. پل تیلیخ و تاریخ ادیان / میرچا الیاده

### مقالات پل تیلیخ

۶۵	۱. اثرات اکتشافات فضایی بر وضع و حال و مقام آدمی
۸۵	۲. مرزها
۱۰۳	۳. انحطاط و اعتبار اندیشه پیشرفت
۱۲۷	۴. اهمیت تاریخ ادیان برای الهیدان جامع نگر

## پیش‌گفتار مترجم

کتابی که با عنوان *آینده ادیان*<sup>۱</sup> فراروی خواننده است، دارای دو بخش است. بخش نخست، «در بزرگداشت پل تیلیخ»، مجموعه سه سخنرانی است که سه تن از دوستان و همکاران پل تیلیخ، چند روز پس از درگذشت او، در مراسم یادبود وی ایراد کرده‌اند، و هر کدام به اختصار به جنبه‌ای از حیات او پرداخته است. بخش دوم، «مقالات پل تیلیخ»، دربرگیرنده چهار گفتار از گفتارهای اواخر عمر تیلیخ است که کمابیش با یکدیگر مرتبط‌اند، و در مجموع، بیانگر نگرش پل تیلیخ نسبت به «آینده ادیان» محسوب می‌تواند شد. گردآورنده کتاب در پیش‌گفتار خود چکیده این مقالات چهارگانه را به دست داده است.

پل تیلیخ زاده آلمان است و تحصیلات خود را نیز عمدتاً در همان جا به پایان رسانده و سپس به آمریکا رفته است. از این رو، انگلیسی زبان دوم اوست. از سوی دیگر، زبان فلسفی و کلامی وی آکنده از اصطلاحات

---

1. Tillich, Paul. *The Future of Religions*, edited by Jerald, C. Brauer. New York: Harper and Row, 1966.

و تعابیر خاص و دشوار یاب است. از این گذشته، در مقالاتی که از وی در این کتاب به چاپ رسیده است، عبارات مشوش و خطاهای دستوری چندی به چشم می خورد که البته معلوم نیست از آن خود اوست، یا اینکه فراهم آورندگان کتاب باعث آن شده اند. اینها کار ترجمه کتاب را دشوار کرده است. با این همه، مترجم کوشیده است تا در ترجمه حتی المقدور هم سبک خطابی کلام تیلیخ محفوظ بماند و هم روانی مطلب از دست نرود. برای آشنایی اجمالی خوانندگان با افرادی که ذکری از آنان در متن کتاب به میان آمده، مترجم شرح حال کوتاهی از آنان در پاورقی آورده است. ترجمه مقالات چهارگانه تیلیخ را استاد محترم حوزه و دانشگاه، آقای دکتر مصطفی ملکیان، از سر بزرگواری و با دقتی کم نظیر با متن انگلیسی مقابله کرده و زحمت کاستیهای آن را بر خود هموار ساخته اند. عنایت و زحمات بی شائبه ایشان مشکور و در خور ستایش فراوان است. در اینجا بیفزاییم که ترجمه مقاله دوم تیلیخ با عنوان «مرزها»، پیشتر در فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال سوم، شماره دهم انتشار یافته است.

در خاتمه سپاس خود را از جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن نواب، سرپرست «مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب» در قم و سایر دست اندرکاران محترم این مرکز که انتشار این اثر را بر عهده گرفتند، ابراز می دارم و مزید توفیق همه کسانی را که در راه خدمت به فرهنگ اسلامی و نشو و نما می کوشند، از ذات باری تعالی مسئلت می کنم.

احمد رضا جلیلی

قم، تیرماه ۱۳۷۸

ربیع الاول ۱۴۲۰

## درباره نویسنده<sup>۱</sup>

پل تیلیخ در سال ۱۸۸۶ در اشتارتسدل، دهکده‌ای در استان براندنبورگ آلمان، در خانواده یک کشیش لوتری چشم به جهان گشود. در دانشگاه‌های برلین، توینگن، هاله<sup>۲</sup> و برسلاو به تحصیل پرداخت و از دانشگاه هاله به اخذ درجه لیسانس الهیات و از دانشگاه برسلاو به اخذ درجه دکتری در فلسفه نایل آمد. در سال ۱۹۱۲ به مقام روحانی کلیسای لوتری انجیلی در استان براندنبورگ منصوب شد. سالهای پس از جنگ جهانی اول را در دانشگاه‌های برلین، ماربورگ، درسدن، لایپزیک و فرانکفورت به تدریس پرداخت.

تیلیخ در نتیجه محکوم کردن ناسیونال سوسیالیسم در نوشته‌ها و

---

۱. در این بخش عمدتاً از این کتاب سود جسته‌ایم:

William L. Reese, *Dictionary of Philosophy and Religion*, 2nd ed. (New Jersey: Humanities Press, 1996), PP. 771 - 772.

2. Halle

سخنرانیهای عمومی اش، کرسی استادی خود را در دانشگاه فرانکفورت از دست داد و در اثر تلاشهای برادران نیبور، به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و در حوزه علمیة الهیات اتحاد نیویورک، دانشگاه هاروارد و شیکاگو تدریس خود را از سرگرفت. از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۶۵ که چشم از جهان فرو بست، همچنان در آمریکا به تدریس الهیات و فلسفه مشغول بود.

گذشته از درسهای دانشگاهی و سخنرانیهای او در مجامع عمومی آمریکا، انتشار آثاری نظیر الهیات جامع<sup>۱</sup> (سه جلد: ۱۹۵۱، ۱۹۵۷، ۱۹۶۳)، در جلب نوجوه مردم تأثیر بسزایی داشته و او را پرآوازه ساخته است.

تیلیخ یکی از برجسته ترین الهیدانان مسیحی است که در کنار کارل بارت<sup>۲</sup> و رودلف بولتمان<sup>۳</sup>، از بنیانگذاران الهیات معاصر پروتستان و در حقیقت پیش کسوت اگزیستانسیالیسم در الهیات به شمار می رود. از تیلیخ بیش از سی جلد کتاب و صدها مقاله برجای مانده، که از آن میان، اثر مهم و عمده او موسوم به الهیات جامع در سه جلد، بر صدر می نشیند. علاوه بر این کتاب، نوشته های مهم دیگر او عبارتند از: اوضاع و احوال دینی (۱۹۳۲)؛<sup>۴</sup> تفسیر تاریخ (۱۹۳۶)؛<sup>۵</sup> عصر پروتستان (۱۹۴۸)؛<sup>۶</sup> تزلزل

### 1. Systematic Theology

۲. Karl Barth الهیدان متولد سوئیس (۱۸۸۶ - ۱۹۶۸ م). وی در کلیسای اقرارنیوش آلمان German Confessing Church و در تدوین بیانیه بarmen (Barmen Declaration) نقش عمده ای داشت. کارل بارت پس از امتناع از میثاق وفاداری بی قید و شرط با هیتلر و برکنار شدن از مقام ریاست خود در بُن، در باسیل به مقام استادی نایل آمد (۱۹۳۵-۱۹۶۲ م). وی شارح بزرگ الهیات اصلاح یافته به شمار می رود و از میان آثار او، اثر بیاد ماندنی جزئیات کلیسا (Church Dogmatics) جایگاه ویژه ای دارد.

۳. Rudolf (Karl) Bultmann (۱۸۸۴ - ۱۹۷۶ م) الهیدان پروتستان لوتری و محقق عهد جدید، متولد آلمان.

مبانی (۱۹۴۸)؛<sup>۷</sup> شجاعت بودن (۱۹۵۲)؛<sup>۸</sup> عشق، قدرت و عدالت (۱۹۵۵)؛<sup>۹</sup> پویایی ایمان (۱۹۵۷)؛<sup>۱۰</sup> الهیات فرهنگ (۱۹۵۹)؛<sup>۱۱</sup> مسیحیت و مواجهه با ادیان جهان (۱۹۶۳)؛<sup>۱۲</sup> و اخلاق و فراسوی آن (۱۹۶۳).<sup>\*۱۳</sup>

4. *The Religious Situation*

6. *The Protestant Era*

8. *The Courage to Be*

10. *Dynamics of Faith*

12. *Christianity and the Encounter of the World Religions*

13. *Morality and Beyond*

5. *The Interpretation of History*

7. *The Shaking of Foundations*

9. *Love, Power, and Justice*

11. *Theology of Culture*

\* از میان این آثار، کتابهای پویایی ایمان به ترجمه حسین نوروزی (انتشارات حکمت، ۱۳۷۵)، الهیات فرهنگ به ترجمانی مراد فرهادپور و فضل الله پاکزاد (انتشارات طرح نو، ۱۳۷۶)، و شجاعت بودن با ترجمه مراد فرهادپور، (انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶)، به چاپ رسیده است. کتابی نیز با عنوان پل تیلیش، نوشته جی. هی وود توماس، ترجمه خانم فروزان راسخی (انتشارات گزوس، ۱۳۷۶) از چاپ در آمده است که برای آشنایی بیشتر خوانندگان با تفکر پل تیلیخ راه گشاست.

## گزیده‌ای از آرای مهمّ پل تیلیخ

۱. از آنجایی که در نظر تیلیخ دین عبارت است از متعلّق دل‌بستگی فرجامین<sup>۱</sup>، فلسفه و الهیات هر دو با مسائل دینی سروکار دارند. در حقیقت، این دو رشته علمی به مسائل هستی‌شناختی مربوط به ساختار هستی و به مسائل ارزش‌شناختی مربوط به آن دل‌بستگی فرجامین ارتباط دارند. فرق این دو در این است که مسائل فلسفی و پاسخهای آنها در قالب اصطلاحات کلی مطرح و حلّ و فصل می‌شوند، ولی مسائل دینی (الهیاتی) در قالب اصطلاحات وجودی<sup>۲</sup> مطرح می‌گردند و بر طبق وحی و انکشاف پاسخ داده می‌شوند. در این گفته، این رأی ظریف نیز هست که فلسفه در مقام مطرح کردن سؤلهایی که پاسخ آنها در قلمرو خاصّ الهیات است، بر الهیات پیشدستی کرده است؛ اما در حقیقت، این دو رشته علمی در کنار یکدیگر به سر می‌برند، و نه معارض با یکدیگرند و نه احتمال در

---

1. *ultimate concern*

2. *existential*

هم تلفیق شدنشان می‌رود. الهیات می‌تواند به برکت «روش همبستگی»<sup>۱</sup> خود، دیدگاه انسانی یا متناهی را با دیدگاه الهی یا نامتناهی آشتی دهد، اما چنین کاری برای فلسفه امکان‌پذیر نیست.

از جمله امور دوگانه و متقابل دیگری که روش همبستگی باعث اتحاد و آشتی آنها با یکدیگر می‌شود، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اختیار و سرنوشت، هستی و نیستی، متناهی و نامتناهی.

۲. تیلیخ بین سه سنخ عقل: عقل دیگر محور<sup>۲</sup>، عقل خود محور<sup>۳</sup> و عقل خدا محور<sup>۴</sup>، فرق می‌گذارد و معتقد است که سنخ اخیر بهترین سنخ عقل است. عقل دیگر محور اصول خود را از خارج از خود اخذ می‌کند و از این رو تصنعی است. عقل خود محور اصول خود را از درون اخذ می‌کند، اما از همین رهگذر بی‌معنا و همانگویانه<sup>۵</sup> می‌شود. عقل خدا محور مبنای بسیار محکم‌تری دارد، چون بر «نفس وجود»<sup>۶</sup> مبتنی است.

۳. «نفس وجود» نامی است که تیلیخ بر خدا می‌گذارد که تقریباً تنها اصطلاح غیر نمادین یا حقیقی در قاموس دین است. به همین سان، تیلیخ خدا را «قدرت هستی»، «اساس هستی» و «خدای فوق خدای یکتاپرستان» توصیف می‌کند. ظاهراً «نفس وجود» معرفی کردن خدا، پاسخی است به سؤالی که شلینگ پیش کشیده است. شلینگ می‌پرسد: چرا عدم وجود ندارد؟ و تیلیخ در پاسخ می‌گوید: چون که پای مفهوم ذاتاً معتبر<sup>۷</sup> هستی، یعنی «نفس وجود» در کار است.

۴. هر چند [مفهوم] «نفس وجود» بین کاربرد حقیقی و غیر مجازی

1. Method of Correlation

3. autonomous

5. tautological

7. self-validating

2. heteronomous

4. theonomous

6. Being Itself

اصطلاحات در فلسفه و کاربرد نمادین آنها در دین ارتباط برقرار می‌کند، تغییر و تحوّل معنای این اصطلاح، به کاربرد نمادین آن مربوط می‌شود. نمادهای اساسی دین برای خدا، عبارتند از: «رب»<sup>۱</sup> و «اب»<sup>۲</sup>.<sup>۳</sup> فرق نمادها با نشانه‌های دیگر در این است که نمادها به امر غایی اشاره دارند و در واقعیتی که از آن حکایت می‌کنند «شریک‌اند». یک نماد اثر بخش نه تنها حقیقت دارد، بلکه صادق هم هست و ما با به کار بردن آن نماد، در حقیقت آن مشارکت می‌کنیم. نمادها همچنین از خود، حیات مستقل دارند: به ضعف می‌گیرند، می‌میرند و از اینکه همچنان به منزله ابزارهای امر غایی عمل کنند، از کار می‌افتند.

۵. از طریق انواع مختلف شجاعت نیز که به یک معنا، خلاصه مراحل فرهنگ‌اند، می‌توان به امر غایی تقرّب جست: «شجاعت جزئی از جمع بودن» که تسلیم فردیت شدن است؛ «شجاعت خود بودن»، «شجاعت نومی» هنگامی که جهان بی‌معنا می‌شود، و سرانجام فراتر از همه صورت‌بندی‌های سنتی، «شجاعت پذیرش مقبولیت [در پیشگاه الهی]». ۶. غایت دین را در برابر گرایش آدمی به مطلق‌سازی، به یاری اصل پروتستانی می‌توان مصون نگه داشت. این اصل، از یکی شدن امر الهی با هر مخلوق انسانی جلوگیری می‌کند، خواه مخلوق مورد بحث مکتوبات کتاب مقدس باشد، خواه خود نهاد کلیسا.

۷. رأی تیلیخ در باب مسیح، حول محور این اعلام حضرت مسیح است که کایروس<sup>۳</sup> محقق می‌شود و ملکوت الهی نزدیک است. این اعلام،

1. Lord

2. Father

۳. Kairos اصطلاحی است که تیلیخ برای تشریح امکانات و فرصتهای تاریخ به کار می‌برد. کایروس در اصل کلمه‌ای یونانی است که پولس رسول آن را در مورد حضرت مسیح (ع) به کار می‌برد و معنی آن «کمال» است.